

گر انباران عالم را مسیح گفت
به شادی باید آذین کرد جان را
بریدند گر نهائ عشق صد بار
بباید دشمنان را دوست گرداند
بگفتا زندگی جنگ است و پیکار
لباس آدمی عدل ست و انصاف
ز تنهایی مرادی حاصلت نیست
عدالت هدیه فیض و صلیب ست
چو بی قیمت بیابی بخشش خویش
نباید از گرانباری بر آشفست
غبار غصه از اندیشه هار رفت
به دیگر بار می باید که بشکفت
بساط کینه را در زیر پا سفت
به وقت جنگ کی می بایدت خفت؟
نه رخت کهنه و نو یا که زر بُفت
نظام زندگی بین جفت با جفت
کسی هرگز عدالت را نیاموخت
بباید بخشی اش بر دیگران مُفت